



۱۰

حمایت ۵میلیارد ریالی از طرح تلویزیون تئاترایران



۱۱

نشست طراحی خلاق در آثار عفاف و حجاب



۱۲

انتشار سی و دومین فهرست نسخ خطی کتابخانه ملی

فرهنگ

سه‌شنبه ۲۹ تیر ۱۴۰۰ :: شماره ۵۹۹۲



سریال‌های شبکه خانگی

روی میز ساترا

پس از حواشی هفته‌های گذشته در ارتباط با سانسور سریال‌های شبکه خانگی بالاخره اولین جلسه‌از سلسله جلسات نقد سریال‌ها در پلتفرم‌های صوت‌وتصویر فراگیر در ساترا برگزار شد. به گزارش روابط‌عمومی ساترا، این جلسه با محوریت سریال «زخم‌کاری» با حضور وحید فرهمند، قائم‌مقام رئیس ساترا،علی‌اصغر پورمحمدی، محمدرضا تخت‌کشیان، محمدحسین مهدویان تهیه‌کننده و کارگردان سریال و نماینده سازمان تولید فیلمو، گروه‌های مردم‌نهاد حامی خانواده و منتقدان سینمایی و سریال‌ها برگزار شد.

در بخشی از این نشست وحید فرهمند، قائم‌مقام رئیس ساترا با اشاره به فرآیند صدور مجوز در ساترا با توجه به پخش سریال زخم‌کاری گفت: بعد از گذشت هفت قسمت از سریال زخم‌کاری به نظر می‌رسد می‌توانیم یک ارزیابی اولیه از نوع مواجهه ساترا داشته باشیم. این‌که اصولا ساترا ورود سختگیرانه‌ای داشته و تا همین جای امر تیغ روی گلوی تامین‌کننده و تولیدکننده محتوا گذاشته است یا نه. در نظر داشته باشیم محوریت این جلسه ارزیابی بازخورد افکار عمومی نسبت به تولید سریال و بازخورد افکار عمومی و قشر نخبگانی



نسبت به نوع تعامل و مواجهه ساترا با محتواست که آیا این مسیر باید بهبود پیدا کند و از حساسیت‌های خود بکاهد یا خیر؟

فرهمند در ادامه گفت: به هر حال موضوع مهم برای هر نهاد تنظیم‌گری، در نظر گرفتن منافع عمومی است. آنچه برای ساترا ملاک خواهد بود توقع جامعه از ساترا به عنوان یک نهاد تنظیم‌گر است که در قبال رسانه‌های صوت و تصویر فراگیر و به طور خاص تولیدکنندگان محتوا باید از خود یک‌کش نشان دهد. ساترا جلسات متعددی را با دوستان تهیه‌کننده و رسانه داشته است که بحث‌های تخصصی و محتوایی، آنجا صورت می‌گیرند. آنچه برای ما موضوعیت دارد بررسی کلیات موضوع است. از آنجا که سریال هنوز در حال پخش است، به طور حتم معنویت‌هایی برای ورود به مقوله پخش آن وجود دارد. محمدرضا تخت‌کشیان در ادامه جلسه گفت: وجود نظرات موافق و مخالف می‌تواند به بهتر شدن کیفیت آثار کمک کند. حتی در مواقعی که باربری نظرات مخالف باشم می‌توانیم با هم بحث کنیم و به یک نتیجه درست برسیم. ما وقتی با کارگزارهای محترم ساترا آشنا شدیم و همکاری کردیم که نیمی از سریال را ساخته بودیم و فیلمنامه کامل بود. تهیه‌کننده سریال زخم‌کاری بیان کرد: من نسبت به کاری که قصد انجام آن را دارم همواره متعهد هستم. هشت قسمت از سریال باقی مانده و برای نقد دقیق‌تر باید اجازه دهیم تا کار به پایان برسد که ما با دریافت بازخورها، از نظرات همه بهره‌مند و از نقاط قوت و ضعف خود مطلع شویم. طبیعتا بعد از اتمام سریال، عده‌ای از آن راضی هستند و برخی هم خوش‌شان نیامده است. این جلسات در هفته‌های آینده با محوریت نقد و تحلیل سایر سریال‌ها ادامه‌دار خواهند بود.



مسجدالحرام در این دو سال به دلیل شیوع کرونا همیشه خورت‌ناز همیشه بوده است/عکس: باشگاه خبرنگاران



با بررسی چند سفرنامه به این سوال پاسخ داده‌ایم که حج و رسیدن به کعبه در این ۱۴۰۰ سال چه تغییری کرده است

در هوای کعبه

روایتی از روز عرفه و عرفات جدیدی که حسین^(ع) برای ما ترسیم کرد

آیا مناسک‌تان را آموختید؟

🔗 وحاجی‌اول ابراهیم بود و قربانی اول اسماعیل! آن‌گاه‌که جبرئیل مناسک حج را به او آموخت، از او پرسید: «أعرفت مناسکک؟ آیا مناسک خود را آموختی؟» و ابراهیم پاسخ داد: «آری!» و از همین رو آن منطقه عرفات یا عرفه نامیده شد. و به این ترتیب از جبرئیل امین که ۳۰۰۰ سال پیش از آدم ابوالبشر (ع) به حج رفت، برای اولین بار حج با آداب و رسوم امروزی به وسیله ابراهیم خلیل انجام شد؛ همان‌که اسماعیل را به قربانگاه برد تا ماموریت خود را به تمام گذارده باشد. تا حسین بن علی بن ابیطالب علیهم‌السلام، که در عرفات حج جدیدی آموخت، حجتی که یک قربانی نداشت و زمزمی از خون به جوشش آورد که تا قیامت سرد و آرام نخواهد دید. حج را اگر مبدا ابراهیم علیه‌السلام است، عرفات را حسین ستون و سقف گذاشت و آنچه بر او از خدا نمایان گردید را هیچ‌کس درک نکرد.



مرتضی درخشان

روزنامه‌نگار

🔗 جای پای پیامبران

عرفات سرزمینی است در نزدیکی مکه که زائران در آن وقوف می‌کنند و آغاز مناسک حج امروزی که به حج ابراهیمی شهرت دارد و منتسب به حضرت ابراهیم نبی سلام ... علیه است از آنجا آغاز می‌شود. بر طبق منابع مختلف تاریخی، این سرزمین که در کنار جبل الرحمه قرار دارد را پیامبران زیادی برای عبادت درک کرده‌اند و امروزه نیز حاجیان پیش از شروع مناسک باید آنجا شب را به بدویت بگذرانند. شیعیان در این روز، دعای عرفه می‌خوانند که به سه روایت آمده مهم‌ترین آن دعای عرفه به نقل از امام حسین علیه‌السلام است که پس از قرائت این دعا، حج را به قربانگاه ترک کردند و مبدا جدیدی در تاریخ رقم زدند.

روایت‌ها می‌گویند حسین بن علی علیه‌السلام که این دعا را در دامنه جبل‌الرحمه می‌خواندند پس از پایان این دعا که سرشار از مضامین عرفانی و فرازهای عاشقانه با معبود است به پهنای صورت‌اشک می‌ریختند و همراه حرم و یاران خود به سمت عراق و کوفه راهی شدند. عرفه از روزهای مهم تقویم شیعیان است و زیارت امام حسین علیه‌السلام و روزه در این روز بسیار سفارش شده است.

در تأیید عرفه همین بس که بنابر روایتی از پیامبر اکرم(ص)، گناهای وجود دارند که تنها در عرفات بخشیده می‌شوند و براساس روایتی از امام صادق(ع)، گناه‌کارترین شخص کسی است که از عرفات برگردد و گمان کند بخشیده نشده است.

اما عرفه برای ما معنای دیگری دارد، عرفه روز امضای برات کربلاست برای آن‌که می‌خواهد عاشورا را در بین‌الحرمین درک کند، اتفاق بزرگی که سال گذشته از آن محروم شدیم.

🔗 گفت: بیچاره!

عرفه را در فضای باز می‌خوانند، زیر آسمان خدا و مردم می‌آیند و بر زمین داغ می‌نشینند و لا اله الا انت را زمزمه می‌کنند، بعد از ظهر روز پیش از عید قربان و تهران که نه، دنیا پر است از آنها که دلشان در صحرای عرفات پیش صاحب‌الزمان است که دارد در بین حاجیان به گمنامی حج می‌گذارد.

بار اولی که قرار بود عاشورا به کربلا بروم دلم شور می‌زد و می‌خواستم خودم را در جمعیت آرام کنم. می‌خواستم تنم را به دریای محبان حسین بن علی علیهم‌السلام بزنم و حواسم را پرت کنم از این‌که که ۲۹ سال آرزوی کربلا سهم من بوده است و این بار نیت کرده‌ام مسافر بشوم.

میدان امام حسین پر بود از جمعیت و تا میدان شهدا هر چند قدم که می‌رفتی، عده‌ای نشسته بودند و دعا می‌خواندند. محمد گفته بود برویم پای منبر حاج قربان و آنجا دعا بخوانیم و من تا دو سال بعد فکر می‌کردم سنگ و چوب منبر است که آدم را راهی می‌کند، تا فهمیدم مهم نیست چه کسی دعا را می‌خواند. مهم این است که تو کجا دعا را می‌خوانی. توی خیابان‌های تهران هستی یا دلت در عرفات است؟

من دلم اما کربلا بود، دلم خود خود کربلا بود و شور می‌زد. من فکر نمی‌کردم آن روز بارانی که اشک امان از همه بریده بود و انگار همه آسمان بهار بودند اسم من از توی گردونه بیرون بیاید و مسافر کربلا بشوم.

عصر که شد، دو نفری سوار خودرو بودیم و از میدان امام حسین (ع) دور می‌شدیم، پرسیدم چه می‌شود؟ پرسید چه؟ پرسیدم کربلا چه می‌شود؟ پرسید اگر درست بخوای مگر می‌شود ندهد؟ درست‌خواستی؟ گفت نمی‌دانم! گفت بیچاره!

🔗 کم‌ما، زیاد آنها

«و داوود نبی چون در عرفه وقوف کرد و جمعیت مردم را فراوان دید از جبل‌الرحمه بالا رفت و به درگاه الهی دعا کرد. پس از آن که مناسکش پایان یافت جبرئیل امین بر او نازل شد و فرمود: ای داوود، خدایت می‌فرماید چرا از کوه بالا رفتی؟ پنداشتی صدای کسی بر خدا پوشیده خواهد ماند؟»

و من تا شب تا سوغا که در حرم علمدار ایستاده بودم، بیچاره بودم، تا وقتی که دسته‌ای آمده بود که ناشنوا بودند و آن‌که روضه می‌خواند فقط با دست حرم را نشان می‌داد و همه گریه می‌کردند؛ همان دسته‌ای که اشک تمام اهل حرم را درآورده بود. آن قصه را بعدها شاید نوشتم، اینجا اما نفهمیدم چطور من را انتخاب کردند. من خوب نخواسته بودم، آنها خوب بخشیدند. آنها کم ما را گران خریدند، گران‌تر از آن‌که به بازار برده بودیم. به یکی مثل من زیارت مزار حسین علیه‌السلام در دنیا را بخشیدند و به یکی مثل احمد زیارت روی حسین علیه‌السلام را در آخرت! و این فرق ما در خواستن بود.

🔗 دروازه‌ای جدید

اگر بنشینید و صداهای به جا مانده از عملیات بیت‌المقدس و آزادی خرمشهر را گوش کنید یک نفر با نام احمد است که می‌گوید ما داخل خرمشهر هستیم، همانی که به جای این‌که بگوید اسیر گرفتیم، می‌گوید عراقی‌ها به ما پناهنده شده‌اند. همانی که صدایش را بلند می‌کند و می‌گوید خرمشهر را خدا آزاد کرد و این طرف، کسی که پای بیسیم نشسته است انگار باور نمی‌کند چه چیزی می‌شنود، هی می‌خواهد احمد حرف‌هایش را تکرار کند و واضح‌تر بگوید.

او احمد کاظمی است؛ کسی که بی‌شک نقش سرنوشت‌سازی در فتح‌الفتح دفاع مقدس داشت. اما اگر بگردید هیچ‌کس از او به عنوان فاتح خرمشهر یاد نمی‌کند. شهید کاظمی، شهید عرفه است؛ مقامی که خیلی‌ها به آن غیبه می‌خورند. «هیچ نمازی ندیدم که احمد بخواند و در قنوت یا در پایان نماز گریه نکند و پیوسته این ذکر: «یا رب‌الشهدا، یا رب‌الحسین یا رب‌المهدی» ورد زبان احمد بود و بعد گریه می‌کرد.»

این را حاج قاسم سلیمانی از احمد کاظمی می‌گوید:

همان‌هایی که رفیق گرمابه و گلستان بودند و حالا بعد از سال‌ها دوری انگار دوباره کنار هم هستند. می‌بینی؟! آنها که به عرفه ربط دارند انگار یک جور دیگری خدا را می‌شناسند. یک جور دیگری خدا را صدا می‌زنند. انگار از یک دروازه دیگری به بهشت دعوت شده‌اند. عرفه یک راه شناخت دیگر است. یک راه میانبر که از در خانه حسین علیه‌السلام می‌گذرد. عرفه کربلاست. انگار در طول تاریخ جاری است.

🔗 آیا آموخته‌ایم؟

حاجی‌اولین، حسین علیه‌السلام بود و در غروب عرفه پس از آن باران رحمتی که از چشم‌ها جاری کرد راه دیگری پیمود؛ راهی که حسین نشناسان آن را خروج می‌دانند. و او که می‌داند از کف صحرای حجاز هم صدایش به عرش می‌رسد، انگار برای ما می‌خواند، انگار برای ما راه می‌کشد، راهی که ۱۴۰۰ سال است پیش روی ما قرار دارد. راهی که هر روز عرفه که از راه می‌رسد انگار که حسین علیه‌السلام بر دامنه کوه رحمت می‌ایستد و از دنیا می‌پرسد: «أعرفتم مناسککم؟» و ما در پاسخ به این سوال انگار در مقابل خودمان ایستاده‌ایم که آیا مناسک‌مان را آموخته‌ایم؟!